

مرکز اسناد حقوق بشر ایران

مرکز اسناد حقوق بشر ایران نهادی بیطرف و مستقل پژوهشی است که هدف آن ایجاد یک تاریخچه جامع و عینی از وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ به بعد می‌باشد. این تاریخچه، شامل جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل طیف گسترده‌ای از اسناد و مدارک است که به صورت آرشیو، جهت مطالعه و تحقیق در دسترس عموم قرار خواهد گرفت. با تکیه بر این اصل که مسئولیت‌پذیری در قبال تخلفات گذشته لازمه پیشرفت اجتماعی و تحولات دموکراتیک در آینده خواهد بود، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، گفتگو و تبادل نظر آگاهانه درباره وضعیت حقوق بشر در ایران را تشویق و ترغیب می‌نماید. این مرکز با تعداد زیادی از پژوهشگران و متخصصان در زمینه مستندسازی موارد نقض حقوق بشر و سایر پروژه‌ها همکاری می‌کند.

اهداف مرکز اسناد حقوق بشر ایران

- بررسی و مستندسازی موارد تخلف حقوق بشر در ایران؛
- ارتقای سطح آگاهی مجامع بین‌المللی از تخلفات حقوق بشر در ایران و تحت فشار قرار دادن دولت ایران برای خاتمه دادن به این تخلفات؛
- ارتقای سطح آگاهی مردم ایران از موارد تخلف حقوق بشر در ایران و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر؛
- ایجاد مجموعه و آرشیوی اینترنتی از اسناد حقوق بشر با این امید که روزی در پیشرفت و حمایت از روند مسئول شناختن متخلفان مورد استفاده قرار گیرد.

آدرس:

Iran Human Rights Documentation Center

129 Church Street, Suite 304

New Haven, CT 06510, USA

تلفن: ۷۷۲-۲۲۱۸ (۲۰۳)

نمابر: ۷۷۲-۱۷۸۲ (۲۰۳)

پست الکترونیکی: info@iranhrdc.org

پایگاه اطلاعاتی: <http://www.iranhrdc.org>

عکس روی جلد: تظاهرات دانشجویی ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸، کوی دانشگاه، تهران - آیت الله سید علی خامنه‌ای،

رهبر ایران

عکس پشت جلد: مهرانگیز کار

سرکوبی دانشجویان اصلاح طلب

اسفند ۱۳۸۶

فهرست مطالب

۱. چکیده.....	۳
۲. سرکوب دانشجویان اصلاح طلب با توسل به قانون.....	۴
۳. سرکوب دانشجویان اصلاح طلب با توسل به نهادهای امنیتی.....	۴
۳-۱. کمیته های انضباطی دانشگاهها.....	۴
۳-۳. حراست دانشگاهها.....	۵
۳-۴. هیئت نظارت بر فعالیت تشکلهای اسلامی دانشگاه.....	۵
۳-۵. کمیته ی ناظر بر نشریات دانشجویی.....	۶
۳-۶. نیروهای انتظامی.....	۶
۴. سخن آخر.....	۷

۱. چکیده

در این گزارش شیوه‌های سرکوب دانشجویان اصلاح‌طلب در دوران محمد خاتمی بررسی شده است. این دانشجویان بعد از ۱۸ تیر ماه ۱۳۷۸ که مورد حمله بی‌رحمانه قرار گرفتند و آقای محمد خاتمی آنها را حمایت نکرد، بلکه با محافظه‌کاران هم‌صدا شد، اغلب تبدیل به نیروهای رادیکال شده و بحث جدایی دین از حکومت و سیاست را غنی ساخته‌اند. در هر حال وجود انواع نهادها و ادارات کنترل‌کننده در دانشگاهها بخصوص بعد از رویداد ۱۸ تیر ماه ۱۳۷۸، سرکوب دانشجویان فعال، منتقد و مخالف را که اقدام به حرکت‌های مسالمت‌آمیز نموده و از هرگونه خشونت‌ورزی پرهیز داشتند، میسر ساخت. در "خاموش کردن صدای دگر اندیشان" و "زندانیان وسیله‌ای برای سرکوب اصلاح‌طلبان" نقش و شیوه‌ی کار سرکوب‌گران درون دانشگاهی تعریف شده است با این توضیح که بعد از پایان دوران محمد خاتمی، برخی از این کمیته‌ها و مراکز درون دانشگاهی دارند به جای دادگاهها و مراجع قضایی حکم علیه دانشجویان صادر می‌کنند. به موجب این احکام غیر قانونی در مواردی دانشجویان محکوم به سکوت شده، در مواردی محروم از ادامه‌ی تحصیل می‌شوند و در مواردی مطبوعات داخلی دانشگاه تعطیل می‌شوند. همچنین اساتید متهم به داشتن عقاید جدایی دین از حکومت در فهرست اساتید اخراجی قرار گرفته و مفسران درون کشور معتقدند انقلاب فرهنگی دوم در راه است که بر تمام آزادیهای حداقل دانشگاهی در ایران خط بطلان می‌کشد.

۲. سرکوب دانشجویان اصلاح طلب با توسل به قانون

به طور کلی برای سرکوب منتقدان اعم از فعالان سیاسی، دانشجویی و مطبوعاتی قوانین لازم در ساختار حقوقی کشور وجود دارد و می توان این قوانین غیردموکراتیک و ضد حقوق بشری را چنان که در مقالات قبل گذشت، نسبت به همه ی گروهها، افراد، دستجات و احزاب اجرا کرد و آنها را از صحنه ی حیات سیاسی و فرهنگی کشور حذف نمود. دانشجویان اصلاح طلب که یک بازوی مهم اصلاحات بودند و در تکمیل نقش مطبوعات اصلاح طلب و نبود حزب مستقل اصلاح طلب کمبودها را تا حدودی جبران می کردند، پیاپی توسط مأمورین وزارت اطلاعات و دیگر نیروهای امنیتی با همکاری قوه قضاییه احضار، بازداشت، محاکمه و محکوم شده اند. مستندات قانونی همان بوده که در مقالات قبل به آن پرداخته ایم. آنچه مسلم است به لحاظ نبود قانون خاص ناظر بر متهمین سیاسی و مراعات حقوق آنها، جوانهای دانشجو نیز مانند متهمین جرایم عادی همچون دیگر دستجات اصلاح طلب، با رفتار خشونت آمیز، بازدارنده، شکنجه و حبسهای کوتاه و طولانی و گاهی محرومیت از تحصیل و ترک خوابگاه مواجه شده اند. ۱۸ تیر ماه ۱۳۷۸ نقطه اوج هجوم به بازوی دانشجویی اصلاحات است که امواج آن همچنان در تمام دوران ۸ ساله ی خاتمی، حتی بعد از آن، فشارهای زایدالوصف بر دانشجویان اعمال کرده است.

۳. سرکوب دانشجویان اصلاح طلب با توسل به نهادهای امنیتی

سوی وزارت اطلاعات و نیروهای امنیتی موازی و قوه قضاییه که همواره به سرکوب منتقدین پرداخته اند، نهادهای امنیتی خاصی که با نامهای متفاوت در دانشگاهها حضور دارند و در سرکوب دانشجویان نقش ایفا کرده اند به قرار زیر است:

۳-۱. کمیته های انضباطی دانشگاهها

کمیته های انضباطی در عمل زیر سلطه ی رئیس دانشگاه و نماینده ی ولی فقیه عمل می کنند. برخی اعضای آنها به مناسبت شغل و موقعیتشان در کمیته عضویت دارند مانند مقام ریاست دانشگاه یا نماینده ی ولی فقیه. نظر به اینکه گزینش افراد شرکت کننده در کمیته و همچنین چگونگی تشکیل جلسات و تصمیم گیریها و اجرا عموماً با رئیس دانشگاه و نماینده ولی فقیه است و حراست (که شعبه ای از وزارت اطلاعات در دانشگاههاست) در کمیته های انضباطی نماینده دارد، لذا کمیته های انضباطی اولاً ترکیب گزینشی دارند (نه انتخابی) و ثانیاً بر پایه نگاه امنیتی حرکتهای دانشجویی را کنترل می کنند. ضمانت اجرای تصمیمات کمیته با شخص نماینده ی ولی فقیه و مدیریت دانشگاه است که او نیز زیر نظر ولی فقیه امور دانشجویی را زیر نظر دارد. بنابراین نسبت به دانشجویان در این کمیته ها از بالا تصمیم گیری می شود و عوامل مرتبط با کنترل دانشجویان حتی آیین نامه ی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی را که حاوی برخی نکات مثبت است به اجرا نمی گذارند. کمیته های انضباطی با این ویژگیهای حکومتی و امنیتی با دانشجویان برخورد می کنند. برخورد با دانشجو با یک تذکر شفاهی شروع می شود و در نهایت ممکن است اخراج دانشجو و معرفی وی به دستگاه قضایی را در جایگاه متهم در پی داشته باشد.

۲-۳. بسیج دانشجویی دانشگاهها

بسیج نماینده دست چندم سپاه پاسداران است و در دانشگاه زیر مجموعه‌ی سپاه شناخته می‌شود. در هر دانشگاه یک نفر در مقام رئیس بسیج منصوب می‌شود. نقشهایی مانند تهیه‌ی گزارش، ضبط مکالمات، ایجاد و سازماندهی گروههای فشار برای در هم ریختن برنامه‌ها و به خشونت کشیدن آن، تهدید دانشجویان، حمله به مراسم، همکاری با لباس شخصی‌ها از جمله نقشهایی است که بسیج در دانشگاهها ایفا می‌کند.

برنامه‌های سرکوب که توسط بسیج دانشجویی به اجرا گذاشته می‌شود، دو وجه دارد:

۱- وجه تنبیهی؛ ۲- وجه تشویقی

۱- وجه تنبیهی همان است که در بالا به آن اشاره شد.

۲- وجه تشویقی با دادن امتیاز تحقق می‌یابد. مانند آنکه به دانشجویانی که تحت تأثیر تبلیغات ایدئولوژیک آنها قرار می‌گیرند یا از ترس تظاهر می‌کنند که به آن گرایش پیدا کرده‌اند، امتیاز می‌دهند. از قبیل فراهم ساختن امکانات برای اشتغال یا ایجاد معافیت‌های نظام وظیفه یا تأثیر گذاری در تعلق گرفتن بورسهای تحصیلی به آنها.

۳-۳. حراست دانشگاهها

حراست دانشگاهها مستقیماً زیر نظر وزارت اطلاعات کار می‌کنند. آنها با گزارش نویسی، تهیه عکس و فیلم، ضبط صدا و به طور کلی جمع‌آوری مدارک علیه دانشجوی، او را تا مرحله‌ی دادگاه و محاکمه می‌کشاند. برگزاری جلسات دانشجویی و برنامه‌ها عموماً موکول است به اظهار نظر حراست. چنانچه حراست اجازه ندهد، اجرای برنامه و تشکیل جلسه میسر نیست. نهادهای مختلفی علیه دانشجویان به قوه قضاییه گزارش می‌نویسند، مانند بسیج و دیگران، با این وصف بخش عمده‌ی گزارشهایی که مبنای پرونده‌سازی برای دانشجویان در دادگاهها قرار می‌گیرند توسط حراست تنظیم می‌شوند. حراست دانشگاهها غیر از آنکه علیه دانشجویان به جمع‌آوری مدارک پرداخته و گزارش نویسی می‌کنند و برگزاری جلسات و برنامه‌ها هم موکول است به اخذ اجازه از آنها، به شیوه‌ی دیگری هم موجبات تضعیف حرکت‌های دانشجویی را فراهم می‌سازند. یکی از شیوه‌ها عبارت است از نفوذ به تشکلهای دانشجویی و ایجاد شکاف در تشکلهای مستقل دانشجویی، به نحوی که گاهی منجر به انشعابهایی می‌شود و از انسجام و استقلال تشکلهای مستقل دانشجویی می‌کاهد. اعضای حراستها عموماً امنیتی هستند، حتی ماشین‌نویسها. وزیر علوم دارای یک مدیر کل حراست است که با هماهنگی وزیر اطلاعات و وزیر علوم انتخاب می‌شود. این مدیر کل، تمام مراکز حراست را که در دانشگاهها و دانشکده‌های مستقل تشکیل می‌شوند، زیر نظر دارد.

۳-۴. هیئت نظارت بر فعالیت تشکلهای اسلامی دانشگاه

برای تشکیل هیئت نظارت بر فعالیت تشکلهای اسلامی دانشگاه همواره مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی وجود داشته است، ولی نیروهای امنیتی و کنترل‌کننده به تشکیل هیئت نظارت نمی‌پرداختند و نسبت به آن احساس نیاز

نمی‌کردند. با ورود محمد خاتمی به عرصه‌ی معادلات سیاسی، ترس مخالفان اصلاحات فزونی گرفت و آنها احساس خطر کرده و مصوبه را اجرایی نمودند و فعالیتهای سازمان یافته دانشجویی بیش از پیش تحت کنترل قرار گرفتند. توضیحاً اینکه در ایران همه‌ی تشکلهای دانشجویی پسوند اسلامی دارد. بنابراین تأکید بر این پسوند چیزی را تغییر نمی‌دهد. هیئتهای نظارت بر فعالیتهای تشکلهای اسلامی دانشگاهها زیر مجموعه‌ی یک هیئت نظارت کل محسوب می‌شوند که در وزارت علوم است. هیئت نظارت کل ترکیبی است از: رئیس دانشگاه و نماینده‌ی وزیر علوم و رئیس نمایندگی ولی‌فقیه در داخل دانشگاه.

عمده وظیفه‌ی هیئت نظارت بر فعالیت تشکلهای اسلامی دانشگاه عبارت است از صدور اجازه و موافقت‌نامه برای برگزاری برنامه‌ها و سخنرانیهای مرتبط با امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که تشکلهای دانشجویی خواستار آن بشوند. چنانچه این برنامه‌ها و اجتماعات بدون جلب موافقت هیئت نظارت انجام گردد، هیئت حق تعطیل برنامه‌ها، انحلال و معرفی افراد به کمیته انضباطی را دارد. پس از آن کمیته‌ی انضباطی است که بر پایه‌ی گزارش کمیته نظارت، دانشجویان را به دادگاه می‌کشاند.

۳-۵. کمیته‌ی ناظر بر نشریات دانشجویی

این کمیته در دوران هشت ساله ریاست جمهوری محمد خاتمی تشکیل شد و آغاز به کار کرد. علت تشکیل کمیته این بود که در دوران خاتمی، نشریات دانشجویی به تبعیت از فضای مطبوعات اصلاح‌طلب در نقد عملکرد حکومت و بخصوص پایه‌های تفکر محافظه‌کارانه و برداشتهای کهن از دین پربار شده بودند. نیروهای ضداصلاحات کمیته‌های ناظر بر نشریات دانشجویی را ایجاد کردند تا پیش از بحرانی شدن فضا توسط نشریات دانشجویی و درگیری با نهادهای قضایی، این نشریات را کنترل کنند. از آن پس صدور مجوز یا لغو مجوز نشریات دانشجویی به این کمیته محول شد. کمیته در صورت لزوم افراد خاطی را به کمیته‌های انضباطی معرفی می‌کند.

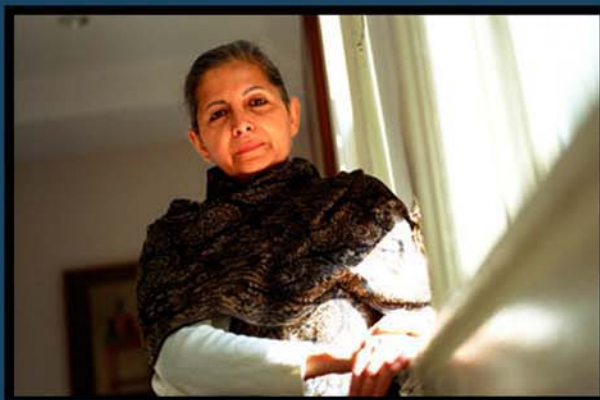
بالا گرفتن برخورد با نشریه موج که در دوران خاتمی اتفاق افتاد، منجر به تشکیل کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی شد.

۳-۶. نیروهای انتظامی

نیروهای انتظامی همواره بر حسب خواست رؤسای دانشگاهها وارد محوطه‌ی دانشگاهها شده و با رفتار خشونت‌آمیز و تهدیدآمیز اجتماعات را در هم ریخته و دانشجویان را بازداشت می‌کنند. در دوران اصلاحات یکی از عمده بحثهای اصلاح‌طلبان این بود که نیروهای انتظامی حق ورود به محوطه‌ی دانشگاهها را ندارند. اما این استدلال هرگز پذیرفته نشد و رؤسای دانشگاهها آن را به اجرا می‌گذاشتند و هر بار که حضور نیروهای انتظامی را ضروری تشخیص می‌دادند، آنها را به محوطه‌ی دانشگاهها برای سرکوب فرا می‌خواندند.

۴. سخن آخر

اینک که دولت آقای محمود احمدی نژاد برقرار است، نهادهای دانشجویی که در بالا برشمرده شد، از حدود اختیارات سرکوبگرانه‌ی خود فراتر رفته‌اند. وزارت علوم و آموزش عالی به آنها اجازه داده تا مانند مراجع قضایی انشاء رأی کنند. آنها دانشجویان متصل به فعالیتهای مسالمت‌آمیز سیاسی را از تحصیل محروم می‌نمایند. مطبوعات داخلی دانشجویان را تعطیل و اساتید متهم به داشتن عقاید جدایی دین از حکومت را اخراج می‌کنند. در وضع حاضر (سال ۱۳۸۶ شمسی) آزادیهای حداقلی دانشگاهی از سوی کمیته‌های انضباطی، بسیج و دیگر نهادهای درون دانشگاهی مورد حمله و هجوم قرار گرفته و گفته می‌شود اینها نشانه است از انقلاب فرهنگی دوم که در راه است و ترس و نگرانی ایجاد کرده است.



مهرانگیز کار وکیل، روزنامه‌نگار، و فعال در زمینه حقوق بشر، حقوق زنان و گسترش مردم‌سالاری است. وی دانش‌آموخته رشته حقوق دانشگاه تهران است.

در فروردین سال ۱۳۷۹، مهرانگیز کار در کنفرانس «ایران بعد از انتخابات» که توسط بنیاد هانریش بل در برلین برگزار شده بود شرکت کرد و پس از بازگشت مدت دو ماه را در سلول انفرادی زندان اوین به سر برد. وی به خاطر فشارهای بین‌المللی موقتاً آزاد شد و موفق شد برای معالجه به خارج از کشور برود. وی از سال ۱۳۸۱ در تبعید به سر می‌برد و هم‌اکنون به عنوان پژوهشگر نیوهاوس در دانشکده دخترانه و لزل می‌مشغول به کار می‌باشد.